نمایندگی ایران در وین:

آمریکا به نام عدالت برای جنایت یارگیری می‌کند

نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در وین با انتقاد از برنامه جدید آمریکا موسوم به «پاداش برای عدالت»، آن را تلاشی برای جذب همدستان اقدامات مجرمانه و تروریستی دانست و درباره پیامدهای حقوقی و کیفری هرگونه همکاری با این برنامه هشدار داد.

به گزارش ایسنا، نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در وین، شامگاه شنبه در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: برنامه جدید به‌اصطلاح "پاداش برای عدالت" آمریکا، در واقع به دنبال جذب همدستانی برای ارتکاب جرم است.

این نمایندگی با اشاره به سابقه ترور دانشمندان ایرانی، خرابکاری‌های مکرر در تأسیسات هسته‌ای ایران و بمباران این تأسیسات از سوی آمریکا و رژیم



صهیونیستی تأکید کرد: با توجه به کارنامه سیاه آمریکا و رژیم اسرائیل در ترور دانشمندان ایرانی، خرابکاری‌های مکرر در تأسیسات هسته‌ای ایران و بمباران آن‌ها، برنامه به‌اصطلاح پاداش آمریکا صرفاً به دنبال جذب همدستانی برای اقدامات مجرمانه و تروریستی و تجاوزگری بیشتر است.

نمایندگی ایران در ادامه درباره پیامدهای حقوقی همکاری با این برنامه هشدار داد و تصریح کرد: هر کشور، نهاد دولتی، سازمان بین‌المللی از جمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا بازیگر غیردولتی که اطلاعاتی را برای تسهیل چنین جرایمی ارائه کند، در معرض مسئولیت حقوقی بین‌المللی قرار خواهد گرفت.

در این پیام همچنین آمده است: کمک یا معاونت آگاهانه در ارتکاب چنین جنایاتی، چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، موجب مسئولیت کیفری فردی در کنار عاملان اصلی خواهد شد. تعیین جایزه نقدی نه همدستی در جرم را از بین می‌برد و نه مصونیت ایجاد می‌کند.

نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در وین در پایان تأکید کرد: پاسخگویی در راه خواهد بود. دانشمندان شهید ما گواهان ما هستند.

از بحران مهمات تا زلزله سیاسی در واشنگتن؛ محاسبات دشوار پیش روی ترامپ در قبال ایران

کاهش ذخایر برخی مهمات پیشرفته آمریکا و دشواری جایگزینی آنها، در کنار شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای و واگذاری کنترل کنگره به دموکرات‌ها، محاسبات نظامی و سیاسی دولت دونالد ترامپ در قبال ایران را پیچیده‌تر کرده است.

به گزارش ایرنا، گزارش‌های رسانه‌های آمریکایی و ارزیابی نهادهای رسمی این کشور نشان می‌دهد جنگ علیه ایران به مصرف قابل‌توجه بخشی از موشک‌های تهاجمی دوربرد و مهمات دفاع موشکی آمریکا منجر شده است؛ موضوعی که علاوه بر هزینه و زمان بازسازی ذخایر، بر برنامه‌ریزی نظامی واشنگتن برای تداوم عملیات و آمادگی در برابر بحران‌های احتمالی دیگر نیز تاثیر می‌گذارد.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر آشکار شد که ترامپ در واکنش به افشای اطلاعات ذخایر تسلیحاتی، دستور پیگرد افشاگران و درخواست مجازات طولانی برای آنان را مطرح کرد. اکنون دولت دونالد ترامپ علاوه بر محاسبات نظامی، با پیروزی تاریخی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره و شکست سنگین جمهوری‌خواهان که از آن به عنوان «سونامی» و زلزله سیاسی در واشنگتن و قلب قدرت سیاسی آمریکا یاد می‌شود، محدودیت‌های مالی و سیاسی تازه‌ای نیز روبه‌رو است.

وقتی ذخایر مهمات به موضوعی امنیتی و سیاسی تبدیل شد

روزنامه واشنگتن‌پست در ششم اوت ۲۰۲۶ از اختلاف ترامپ و پیت هگست، وزیر جنگ (دفاع) آمریکا، در جلسه‌ای در کمپ‌دیوید درباره کاهش ذخایر مهمات خبر داد.

به نوشته این روزنامه، ترامپ از هگست درباره کمبود موشک‌های هدایت‌شونده دوربرد و رهگیرهای دفاع هوایی توضیح خواسته و از اینکه تصور می‌کرد مشکل ذخایر قبلا برطرف شده است، ابراز نارضایتی کرده بود. دو منبع مطلع نیز کاهش موجودی این تسلیحات را از عوامل محدودکننده گزینه‌های نظامی دولت برای حملات گسترده‌تر علیه ایران دانسته بودند.

واشنگتن‌پست همچنین گزارش داد ترامپ دستور یک حمله بسیار گسترده به ایران را صادر کرده بود، اما بعدا آن را متوقف کرد. یکی از منابع مطلع، کمبود مهمات را از عوامل این تصمیم عنوان کرده بود؛ هرچند یک مقام آمریکایی در گفت‌وگو با رویترز، فشار کشورهای خلیج فارس را عامل توقف حمله دانسته بود.

واکنش ترامپ به انتشار اطلاعات نیز قابل‌توجه بود. او در شبکه اجتماعی تروث سوشال ادعا کرد آمریکا مقادیر عظیمی مهمات در اختیار دارد و تسلیحات بیشتری نیز در حال تولید و ارسال است، اما هم‌زمان گفت افشاگران این اطلاعات تحت تعقیب قرار می‌گیرند و برای آنها احکام طولانی زندان درخواست خواهد شد.

ترامپ در پیام خود از افشای این اطلاعات با تعبیر «خیانت‌آمیز» یاد کرد. این واکنش نشان می‌دهد موضوع برای کاخ سفید صرفا اختلاف بر سر آمار موجودی تسلیحات نیست؛ زیرا انتشار اطلاعات درباره ذخایر موشک‌های دوربرد و رهگیرهای دفاعی می‌تواند بر ارزیابی طرف مقابل از ظرفیت عملیاتی آمریکا، اعتبار تهدیدهای نظامی واشنگتن و قدرت چانه‌زنی این کشور در مذاکرات اثر بگذارد.

کاهش ذخایر پاتریوت و تاد؛ ارقام چه می گویند؟

شبکه سی‌ان‌ان در چهارم اوت ۲۰۲۶ به نقل از دو منبع مطلع از گزارش موجودی تسلیحات ارتش آمریکا اعلام کرد که این کشور از زمان آغاز جنگ با ایران، نزدیک به ۸۰ درصد رهگیرهای سامانه دفاع موشکی تاد و حدود نیمی از رهگیرهای پاتریوت خود را مصرف کرده است.

سی‌ان‌ان با استناد به برآورد پیش از جنگ مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا (CSIS)، موجودی اولیه دو گونه پیشرفته موشک پاتریوت را حدود ۲۲۰۰ فروند و ذخایر رهگیرهای تاد را ۴۵۲ فروند اعلام کرد.

با این حال، برآورد منتشرشده از سوی اندیشکده «مرکز مطالعات راهبردی و بین المللی» (CSIS) در گزارش ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۶، ارقام متفاوتی را درباره موجودی باقی‌مانده نشان می‌دهد. بر اساس این گزارش، ذخایر پاتریوت به کمتر از هزار فروند و موجودی رهگیرهای تاد به حدود ۲۵۰ فروند رسیده بود.

شبکه سی‌بی‌اس نیز در چهارم اوت، با استناد به همین ارزیابی SCSI، موجودی باقی‌مانده پاتریوت را بین ۷۵۹ تا ۸۲۷ فروند و موجودی تاد را بین ۲۳۴ تا ۲۷۸ فروند برآورد کرد. این شبکه همچنین موجودی اولیه پاتریوت را حدود ۲۳۳۰ فروند اعلام کرد؛ رقمی که اندکی با برآورد ۲۲۰۰ فروندی سی‌ان‌ان تفاوت دارد.

در مورد تاد نیز سی‌ان‌ان از مصرف نزدیک به ۸۰ درصد ذخایر این سامانه براساس اطلاعات منابع مطلع خبر داده، در حالی که برآورد این اندیشکده از باقی ماندن حدود ۲۵۰ رهگیر از موجودی اولیه ۴۵۲ فروندی حکایت دارد ... وزارت دفاع آمریکا نیز آمار کامل و رسمی موجودی و مصرف تک‌تک انواع مهمات را به صورت عمومی منتشر نکرده است.

اهمیت این کاهش ذخایر در آن است که پاتریوت و تاد از مهم‌ترین سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا برای مقابله با تهدیدهای بالستیک هستند. مصرف قابل‌توجه رهگیرهای این



دو سامانه، به‌ویژه در صورت تداوم حملات موشکی، می‌تواند فشار بیشتری بر ذخایر باقی‌مانده وارد کند و فرماندهان را با محدودیت بیشتری در تخصیص مهمات دفاعی مواجه سازد. در نتیجه، مسئله فقط تعداد موشک‌های مصرف‌شده نیست، بلکه میزان مهمات قابل دسترس برای مقابله با حملات بعدی و سرعت جایگزینی آنها نیز اهمیت دارد.

موشک‌های دوربرد؛ مصرف تقریبا تمام ذخایر برخی تسلیحات

خبرگزاری رویترز چهارم اوت ۲۰۲۶ در گزارشی اختصاصی اعلام کرد ارتش آمریکا در جریان جنگ پنج‌ماهه با ایران، تقریبا تمام ذخایر جهانی در دسترس خود از ۲ نوع موشک دوربرد، یعنی سامانه موشکی تاکتیکی ارتش آمریکا «اتکمز» (ATACMS) و موشک «پریسیژن استرایک» (PrSM) را مصرف کرده است.

رویترز به نقل از سه منبع مطلع از اطلاعات نظامی آمریکا نوشت که این موشک‌ها امکان حمله دقیق به اهداف از فاصله دور و بدون قرار دادن مستقیم هواپیماهای سرنشین‌دار در معرض خطر را فراهم می‌کنند. به گفته منابع این خبرگزاری، مصرف تقریبا تمام ذخایر جهانی در دسترس این دو نوع موشک، نگرانی‌هایی را درباره توان آمریکا برای تامین مهمات موردنیاز در یک جنگ طولانی ایجاد کرده است.

رویترز همچنین گزارش داد آمریکا از آغاز جنگ تا زمان انتشار گزارش، نزدیک به نیمی از ذخایر جهانی موشک‌های کروز تاماهاوک خود را نیز مصرف کرده است. این خبرگزاری تصریح کرد که نتوانسته رقم مربوط به مصرف تاماهاوک را به صورت مستقل تایید کند.

نکته مهم در گزارش رویترز این است که منظور از مصرف تقریبا تمام ذخایر جهانی، صرفا دو نوع موشک اتکمز و پریسیژن استرایک است و نباید آن را به تمام موشک‌های دوربرد آمریکا تعمیم داد. همچنین یک منبع مطلع به رویترز گفته بود فرماندهی مرکزی آمریکا برای ادامه حملات، امکان انتقال مهمات از ذخایر نظامی این کشور در مناطق دیگر را داشته است؛ موضوعی که نشان می‌دهد کاهش ذخایر منطقه‌ای و مصرف ذخایر جهانی دو مسئله متفاوت هستند.

با این حال، اهمیت این گزارش در آن است که کاهش موجودی موشک‌های دقیق دوربرد می‌تواند گزینه‌های واشنگتن برای تکرار حملات تجاوزکارانه گسترده از فاصله دور را محدودتر کند و در صورت تداوم جنگ، وابستگی به دیگر روش‌های حمله و پذیرش ریسک‌های بیشتر را افزایش دهد.

بازسازی ذخایر؛ هزینه ۷.۲۱ میلیارد دلاری و محدودیت ظرفیت تولید

روزنامه واشنگتن‌پست در ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۶ با استناد به ارزیابی دفتر بازرس کل وزارت دفاع آمریکا گزارش داد که مصرف مهمات در جنگ علیه ایران به کمبودهای راهبردی در ذخایر تسلیحاتی این کشور منجر شده و گلوگاه‌هایی را در صنایع دفاعی آمریکا آشکار کرده است.

بر اساس این ارزیابی، تولید موتورهای موشکی سوخت جامد، تامین مواد منفجره و پیشران‌های باکیفیت و جذب نیروی انسانی متخصص از مهم‌ترین موانع افزایش سریع تولید تسلیحات هستند. این محدودیت‌ها به این معناست که حتی اختصاص اعتبارات جدید و انعقاد قراردادهای تسلیحاتی نیز به تنهایی نمی‌تواند کمبود مهمات را در کوتاه‌مدت جبران کند.

مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا(CSIS) نیز در گزارش ۲۷ مه ۲۰۲۶ با عنوان «بازسازی ذخایر موشکی آمریکا؛ پروژه‌ای چندساله» زمان جایگزینی مهمات مصرف‌شده را بررسی کرد.

بر اساس این گزارش، بازگشت ذخایر موشک‌های تاماهاوک و رهگیرهای تاد و پاتریوت به سطح پیش از جنگ، دست‌کم سه سال یا بیشتر زمان می‌برد. این مرکز پیش‌بینی کرد که بازسازی ذخایر رهگیرهای تاد تا پایان سال ۲۰۲۹ و جایگزینی مهمات مصرف‌شده تاماهاوک تا اواخر سال ۲۰۳۰ انجام شود.

از سوی دیگر، دفتر بودجه کنگره آمریکا (CBO) در برآورد سپتامبر ۲۰۲۶، هزینه جایگزینی مهمات مصرف‌شده ارتش آمریکا تا اول اوت همان سال را حدود ۲۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار اعلام کرد. بر اساس این برآورد، ۱۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار مربوط به رهگیرهای دفاع موشکی، ۷ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار مربوط به موشک‌های کروز تهاجمی و یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار مربوط به سایر مهمات است. این ارقام در گزارش اداره پژوهش‌های کنگره آمریکا (CRS) در پنجم اکتبر ۲۰۲۶ نیز بازتاب یافته است.

نکته مهم دیگر در گزارش اداره پژوهش های کنگره، با استناد به برآورد دفتر بودجه کنگره، این است که جایگزینی برخی رهگیرهای مصرف‌شده، حتی با افزایش نرخ تولید، ممکن است دست‌کم پنج سال زمان ببرد. این زمان‌بندی به همه انواع مهمات تعمیم داده نمی‌شود و مشخصا به برخی رهگیرهای دفاع موشکی مربوط است.

مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا نیز تاکید کرده است که آمریکا علاوه بر بازسازی ذخایر خود، باید سفارش‌های تسلیحاتی متحدان و شرکایش را تامین کند. محدودیت ظرفیت تولید و زمان موردنیاز برای تحویل تسلیحات، در کنار حجم مهمات مصرف‌شده در جنگ علیه ایران، روند بازسازی ذخایر را پیچیده‌تر می‌کند. به این ترتیب، مسئله واشنگتن تنها تامین اعتبار برای خرید مجدد موشک‌ها نیست، بلکه توان صنایع دفاعی برای تولید و تحویل به‌موقع این تسلیحات نیز به یک مانع مهم تبدیل شده است.

چین و سایر جبهه‌ها؛ پیامدهای راهبردی مصرف مهمات

کاهش ذخایر مهمات پیشرفته آمریکا می‌تواند بر برنامه‌ریزی نظامی این کشور در منطقه هند و اقیانوس آرام نیز اثر بگذارد.

مرکز مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا در گزارش ۲۷ مه هشدار داده بود که ذخایر مصرف‌شده در جنگ ایران، بخشی از تسلیحاتی هستند که آمریکا در سناریوهای احتمالی رویارویی با چین نیز به آنها نیاز دارد.

این موضوع به‌ویژه درباره موشک‌های دوربرد دقیق و رهگیرهای دفاع موشکی اهمیت دارد؛ زیرا بازسازی این ذخایر در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست و تحویل آنها به ارتش آمریکا با ظرفیت تولید صنایع دفاعی و تعهدات این کشور به متحدان ارتباط مستقیم دارد.

بنابراین، پیامدهای جنگ علیه ایران را باید در چارچوب اولویت‌بندی جهانی منابع نظامی آمریکا بررسی کرد؛ به‌گونه‌ای که افزایش نیاز به جایگزینی مهمات مصرف‌شده و حفظ آمادگی در چند منطقه، هزینه‌های نظامی واشنگتن را افزایش داده و حاشیه مانور این کشور را در مواجهه با بحران‌های هم‌زمان محدودتر می‌کند.

آیا کاهش ذخایر مهمات، محاسبات آمریکا را تغییر می‌دهد؟

جنگ تجاوزکارانه علیه ایران، برای آمریکا تنها هزینه مصرف مهمات را به همراه نداشته، بلکه بخشی از ذخایر راهبردی این کشور را که برای مقابله با تهدیدهای موشکی و مدیریت بحران‌های نظامی در مناطق مختلف مورد نیاز است، نیز کاهش داده است.

جایگزینی این مهمات به چندین سال زمان و میلیاردها دلار اعتبار نیاز دارد؛ مسئله‌ای که می‌تواند توان واشنگتن برای تداوم حملات نظامی گسترده و مقابله با پاسخ متقابل ایران را با محدودیت‌های جدی‌تری مواجه کند. از این منظر، ازسرگیری جنگ برای دولت ترامپ صرفا به معنای صدور دستور حمله نیست، بلکه مستلزم پذیرش هزینه‌های سنگین دفاعی، عملیاتی و راهبردی آن نیز خواهد بود.

واشنگتن با این مسئله روبه‌رو خواهد بود که برای مقابله با حملات موشکی مستمر، باید از ذخایری استفاده کند که جایگزینی بخشی از آنها به چندین سال زمان نیاز دارد. مصرف بیشتر رهگیرهای پاتریوت و تاد، علاوه بر افزایش هزینه دفاع، می‌تواند اولویت‌بندی اهداف و نحوه تخصیص مهمات دفاعی را به مسئله‌ای جدی برای فرماندهان آمریکایی تبدیل کند. به این ترتیب، هرچه احتمال طولانی شدن تجاوز نظامی و تداوم پاسخ نظامی ایران بیشتر باشد، هزینه و ریسک آن برای آمریکا نیز افزایش خواهد یافت.

در چنین شرایطی، مسئله برای واشنگتن صرفا برخورداری از توان آغاز حمله نیست، بلکه امکان مدیریت پیامدهای آن و جلوگیری از گسترش درگیری به سایر پایگاه‌ها و منافع آمریکا در منطقه اهمیت پیدا می‌کند. محدودیت در ذخایر دفاعی می‌تواند هزینه مقابله با پاسخ متقابل را افزایش دهد و قدرت مانور نظامی آمریکا را در صورت طولانی شدن جنگ تحت فشار قرار دهد.

از سوی دیگر، ناکامی در دستیابی به اهداف نظامی از مسیر حملات نظامی می‌تواند واشنگتن را به سمت سناریوهای پرمخاطره‌تری برای بی‌ثبات‌سازی ایران سوق دهد؛ سناریوهایی با هدف ایجاد شکاف در ساختار سیاسی و امنیتی، زمینه‌سازی برای ایجاد آشوب که در این چارچوب، احتمال توسل به روش‌هایی فراتر از حملات نظامی متعارف نیز مطرح می‌شود.

شکست جمهوری‌خواهان؛ محدودیت سیاسی و بودجه‌ای برای ترامپ

شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر ۲۰۲۶ و واگذاری کنترل هر دو مجلس کنگره به دموکرات‌ها، شرایط سیاسی دولت ترامپ را نیز تغییر داده است.

دموکرات‌ها با پیروزی در انتخابات، کنترل مجلس نمایندگان و سنا را به دست آورده‌اند. رسانه های آمریکایی از جمله سی ان ان، اسوشیتدپرس و ... جنگ علیه ایران، افزایش هزینه‌های زندگی و نگرانی از فساد دولتی را از عوامل مهم نارضایتی رای‌دهندگان معرفی کرد.

ترامپ پس از انتخابات تاثیر جنگ ایران بر نتیجه رای‌گیری را پذیرفت و جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، نیز جنگ علیه ایران را یکی از دلایل شکست جمهوری‌خواهان دانست.

اهمیت این تحول برای موضوع ذخایر مهمات در آن است که دولت برای بازسازی زرادخانه و تامین هزینه‌های نظامی به اعتبارات جدید نیاز دارد. کنگره نیز علاوه بر اختیار بررسی و تصویب بودجه، می‌تواند درباره هزینه‌های جنگ، نحوه مصرف مهمات و عملکرد وزارت دفاع تحقیقات و جلسات نظارتی برگزار کند.

با انتقال کنترل دو مجلس به دموکرات‌ها، دولت ترامپ برای جلب حمایت قانون‌گذاران از اعتبارات تکمیلی و برنامه‌های بازسازی ذخایر با چانه‌زنی و نظارت بیشتری مواجه خواهد شد.

همچنین امکان تبدیل هزینه‌های جنگ به موضوعی محوری در تحقیقات و مناقشات سیاسی کنگره افزایش می‌یابد.

البته شکست جمهوری‌خواهان به معنای توقف خودکار طرح های جنگ طلبانه یا سلب اختیارات فرماندهی رئیس‌جمهور نیست، اما می‌تواند تامین منابع مالی و حفظ حمایت سیاسی از یک جنگ طولانی را دشوارتر کند.

هزینه‌های جنگ و محدودیت‌های تازه در محاسبات واشنگتن

مجموع گزارش‌های رسانه‌های آمریکایی و ارزیابی نهادهای رسمی این کشور نشان می‌دهد تجاوز نظامی آمریکا به ایران، هزینه‌ای فراتر از مصرف بخشی از مهمات ارتش این کشور به همراه داشته است. مصرف قابل توجه رهگیرهای دفاع موشکی و موشک‌های دوربرد تهاجمی، در کنار دشواری جایگزینی آنها، پنتاگون را با چالش بازسازی ذخایری مواجه کرده که جبران آنها به میلیاردها دلار اعتبار و چندین سال زمان نیاز دارد. این هزینه‌ها در حالی بر آمریکا تحمیل شده که صنایع دفاعی این کشور نیز با محدودیت‌هایی در افزایش سریع تولید تسلیحات پیشرفته روبه‌رو هستند.

واکنش مستقیم ترامپ به افشای اطلاعات مربوط به ذخایر تسلیحاتی، از جمله تهدید افشاگران به پیگرد قضایی و درخواست مجازات‌های طولانی برای آنان، نشان می‌دهد این موضوع تا چه اندازه برای کاخ سفید حساس شده است. انتشار اطلاعات درباره میزان مصرف موشک‌های دوربرد و رهگیرهای دفاعی، صرفا افشای آمار نظامی نیست؛ بلکه می‌تواند بر ارزیابیاز ظرفیت ادامه جنگ و اعتبار تهدیدهای نظامی واشنگتن نیز اثر بگذارد.

در کنار این فشارهای نظامی و مالی، شکست جمهوری‌خواهان و انتقال کنترل کنگره به دموکرات‌ها، شرایط سیاسی دولت ترامپ را نیز دشوارتر کرده است. دولتی که برای جبران مهمات مصرف‌شده و تامین هزینه‌های جنگ به اعتبارات جدید نیاز دارد، اکنون باید با نظارت و چانه‌زنی بیشتر کنگره درباره بودجه نظامی و ادامه سیاست جنگی خود مواجه شود.در چنین شرایطی، تصمیم برای ازسرگیری تجاوز نظامی علیه ایران صرفا به توان اجرای حمله محدود نمی‌شود.

واشنگتن باید هزینه پاسخ متقابل ایران، مصرف بیشتر ذخایر دفاعی، دشواری جایگزینی تسلیحات و پیامدهای سیاسی و اقتصادی یک جنگ طولانی را نیز در محاسبات خود لحاظ کند. به این ترتیب، جنگ قبلی نه‌تنها هزینه سنگینی بر منابع نظامی و مالی آمریکا تحمیل کرده، بلکه تکرار یک رویارویی گسترده را برای دولت ترامپ با موانع و مخاطرات بیشتری همراه ساخته است.

تحلیلگر آمریکایی:

هیچ راهی برای پیروزی در جنگ علیه ایران وجود ندارد



تحلیلگر آمریکایی بیان کرد: به‌خلاف ادعاهای ترامپ هیچ پیروزی‌ای در جنگ علیه ایران به دست نمی‌آید.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری تسنیم، «باربارا اسلاوین»، تحلیلگر اندیشکده استیمسون آمریکا در مصاحبه با "تی‌آرتی ورلد" در واکنش به ادعاهای دونالد ترامپ، رئیس دولت تروریستی آمریکا مبنی بر پیروزی در جنگ علیه ایران گفت: چه ترامپ ادعای پیروزی کند و چه نکند، او همیشه ادعای پیروزی می‌کند، اما واقعیت این است که هیچ پیروزی‌ای از این جنگ حاصل نمی‌شود.

وی افزود: این جنگ بزرگ‌ترین گل به‌خودی در سیاست خارجی و حتی سیاست داخلی است که هر رئیس‌جمهور آمریکایی در دوران زندگی و خاطره من مرتکب شده است.

این تحلیلگر آمریکایی در ادامه بیان کرد: این جنگ و افزایش متعاقب قیمت بنزین و گازوئیل بیشترین سهم را در شکست‌های گسترده‌ای داشتند که حزب جمهوری‌خواه متحمل شد.

حزب‌الله عراق اتهام دخالت در قراردادهای فرودگاهی را رد کرد

مسئول دفتر امنیتی گردان‌های حزب‌الله عراق گزارش‌ها درباره تسلط این گروه بر قراردادهای منعقدشده در فرودگاه‌ها را تکذیب کرد و آن را بخشی از جنگ رسانه‌ای علیه مقاومت اسلامی کشورش دانست.

به گزارش ایسنا، «ابومجاهد العساف» مسئول دفتر امنیتی گردان‌های حزب‌الله عراق اعلام کرد: آنچه شبکه سعودی العربیه و بلندگوهای ارزان‌قیمت آن درباره ادعای تسلط گردان‌های حزب‌الله بر قراردادهای فرودگاهی مطرح کرده‌اند، دروغی آشکار بوده و چیزی جز بخشی از افترای جنگ رسانه‌ای علیه محور مقاومت نیست.

طبق گزارش شبکه المیادین، العساف با تاکید بر موضع این گروه، تصریح کرد که گردان‌های حزب‌الله عراق «هیچ گونه رابطه، شراکت یا واسطه‌گری، مستقیم یا غیرمستقیم، با سازمان صنایع جنگی» ندارد.

این اظهارات در حالی مطرح شده است که «علی الزیدی» نخست‌وزیر عراق، پیش‌تر در روز شنبه دستور لغو قراردادهای سه شرکت در فرودگاه موصل را به دلیل ارتباط آن‌ها با طرف‌های مسلح و واگذاری این قراردادها به شرکت‌های بین‌المللی صادر کرده بود.

بر اساس این دستور، قرارداد شرکت «اسکای پلاس» برای اجاره پیشخوان‌های فرودگاه موصل لغو شد. همچنین قرارداد اجاره پارکینگ داخلی بدون سقف فرودگاه بین‌المللی موصل با شرکت «سما المطار» و قرارداد اجاره دفتر تاکسی در این فرودگاه با شرکت «الفیصل الشامخ» نیز لغو شده است.

بازگشایی سفارت مصر در لیبی بعد از ۱۲ سال تعطیلی



مقام‌های مصری پس از ۱۲ سال، سفارت این کشور را در طرابلس، پایتخت لیبی بازگشایی کردند.

به گزارش ایسنا، بدر عبدالعاطی، وزیر امور خارجه مصر پس از ورود به طرابلس، مقر سفارت این کشور را افتتاح کرد. وی همچنین در نشست کشورهای عضو تجمع ساحل و صحرا شرکت کرد.

به نقل از النشره، عبدالعاطی در یک نشست خبری گفت بازگشایی سفارت مصر، عمق روابط و پیوندهای تاریخی و جغرافیایی میان دو ملت برادر را نشان می‌دهد.

مصر سفارت خود در طرابلس را در سال ۲۰۱۴، در پی تشدید اختلافات سیاسی و درگیری‌های خشونت‌آمیز ناشی از آن تعطیل کرده بود.

لیبی از زمان سرنگونی حکومت معمر قذافی در سال ۲۰۱۱ تا به الان برای رهایی از هرج‌ومرج و بی‌ثباتی تلاش می‌کند. در حال حاضر دو دولت رقیب بر سر قدرت در این کشور رقابت دارند؛ یکی دولت مستقر در طرابلس به ریاست عبدالحمید دبیبه که از سوی سازمان ملل به رسمیت شناخته شده و دیگری دولت مستقر در شرق لیبی که از حمایت ژنرال خلیفه حفتر برخوردار است.

مصر از زمان روی کار آمدن خلیفه حفتر در شرق لیبی از او حمایت کرده، اما طی سال‌های اخیر روابط خود را با دولت مستقر در طرابلس نیز نزدیک‌تر کرده است.

بازگشایی سفارت مصر چند هفته پس از آن صورت می‌گیرد که پارلمان لیبی در بنغازی، واقع در شرق این کشور، توافق‌نامه تعیین مرزهای دریایی با ترکیه را تصویب کرد؛ اقدامی که خشم قاهره را برانگیخت، زیرا مصر معتقد است این توافق‌نامه منطقه دریایی این کشور را نقض می‌کند.